

Narrow Banking

نهاد بانک در ادبیات نظری پولی و بانکی به عنوان یک نهاد واسطه مالی مطرح است (Woodford, 2010). در این راستا، بانک‌های تجاری در نظام متعارف به واسطه تسهیل پرداخت‌ها، کاهش هزینه مبادله، تجمیع و تخصیص پس‌اندازها و انتقال اطلاعات در اقتصاد حائز اهمیت هستند؛ اما ورشکستگی گسترده بانک‌های تجاری در مقاطع گوناگون و نیاز به کنترل شدیدتر عرضه پول از سوی دولت‌ها و کاهش قدرت بانک‌های تجاری در خلق پول اعتباری منجر به ارائه الگوهای گوناگون به منظور اصلاح نظام بانکی شده است. بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی (Banking Fractional Reserve) بر اساس تفاوت‌های سرسیدی میان سپرده‌پذیری و وام‌دهی، خلق پول اعتباری از هیچ (Money Credit Ex-Nihilo) می‌کند (Phillips, 1992). پیامد چنین مسئله‌ای ایجاد رکود اقتصادی به دلیل تثبیت و شکل‌گیری نرخ بهره پولی و تشدید نوسانات ادوار تجاری است. بنابراین، خلق یا محو پول توسط سازوکار اعتبار از طریق تصمیم دوگانه بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در گام اول در تخصیص بهینه منابع اقتصادی اخلاص ایجاد می‌کند. در گام دوم، خلق اعتبار ناشی از عملکرد بانک‌های تجاری در فرایند بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی می‌تواند منجر به نبود تعادل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شود (ایزدخواستی، ۱۳۹۶).

با وجود این، در راستای اصلاح نظام پولی و بانکی چندین رویکرد مطرح است. در رویکرد اول، با حفظ ساختارهای موجود سعی در کاهش حوزه عملکرد بانک‌های تجاری دارند تا مانع ایجاد بحران مالی به وسیله آن‌ها یا مهار بحران مالی ایجاد شده شوند. این رویکرد در قالب بانکداری اجتماعی (Social Banking) مطرح می‌شود و در آن سعی می‌شود آثار سوء توزیعی ناشی از عملکرد بانک‌های تجاری

جبران شود (Benedikter, 2011). برای مثال، سود ناشی از خلق پول و اعتبار بانک‌های تجاری به وسیله مقام مالی تحت‌عنوان مالیات اخذ شود و در چارچوب اهداف اجتماعی محور دوباره توزیع شوند. یا اینکه در این رویکرد با بالا قرار دادن نرخ ذخیره قانونی به خصوص نرخ مربوط به سپرده‌های دیداری، گستره خلق پول و اعتبار بانک‌های تجاری محدود شود تا آثار سوء کمتری به جامعه تحمیل شود.

رویکرد دوم، نزدیک به رویکرد بانکداری محدود (Narrow Banking) است. ایده بانکداری محدود به منظور حل مشکلات نظام بانکداری به طور متناوب در بین طرفداران اصلاحات بانکی مطرح شده است. در این طرح، با اعمال نرخ ذخیره قانونی صد درصد، خلق پول اعتباری به طور کامل منتفی خواهد شد (Bossone, 2002). پیشینه بانکداری محدود همزمان با ایده نرخ ذخیره قانونی صد درصد است. اولین و جامع‌ترین مطالعه در مورد ساختار و پیامدهای نرخ ذخیره صد درصد، مقاله «پول ۱۰۰٪» فیشر (Fisher, 1935) است. در سال‌های بعد برخی اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو، از قبیل هنری سیمونز (Henry Simons, 1948)، موریس آله (Maurice Allais, 1987)، به همراه فیشر (Fisher, 1935)، طراح برنامه‌ای با عنوان برنامه شیکاگو (Chicago Plan) بودند. آن‌ها با طرح بانکداری محدود به دنبال تغییرات بنیادین در فرایند خلق پول و اعتبار به وسیله بانک‌های تجاری بوده‌اند تا از این طریق مانع ظهور بحران‌های مالی و بانکی شوند. بنابراین، با توجه به اینکه در بانکداری ذخیره جزئی، رابطه میان بانک، سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان به ترتیب رابطه‌ای بستانکاری و بدهکاری است و این باعث عدم ارتباط میان پس‌اندازکنندگان با وام‌گیرندگان شده است، نقطه اولیه انحراف از مسیر تعادلی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد؛ از این رو، موریس آله (۱۹۸۷) معتقد است که در مسیر اصلاح نظام پولی - مالی متعارف به منظور ثبات اقتصادی باید قلمرو خلق و محو پول تنها در اختیار دولت

قرار گیرد و از خلق پول و اعتبار به وسیله بانک‌های تجاری جلوگیری شود (Phillips, 1992).

به طور کلی، دو اصل بنیادین طرح بانکداری محدود، خلق پول به وسیله دولت و چاپ پول در چارچوب پایه پولی است (Phillips, 1992). بر اساس اصل اول، حق انحصاری چاپ و انتشار اسکناس به عنوان یک کالای عمومی ناخالص (اجتماعی) به بانک مرکزی به عنوان یک سازمان دولتی واگذار شده و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق ندارد کاغذهای مشابه را به اسکناس رایج کشور تبدیل کند. بنابراین، استقلال بانک مرکزی که بیانگر واگذاری خلق پول به عنوان یک کالای اجتماعی از یک نهاد دولتی به یک نهاد مستقل از دولت به چالش کشیده می‌شود. بر اساس اصل دوم، که نزدیکی بیشتری با دیدگاه اسلامی دارد، اجازه خلق پول بدون پشتوانه نیز از دولت گرفته می‌شود و دولت موظف به چاپ پول با پشتوانه خواهد شد. به عبارت دیگر، این اصل بر تأمین و گسترش پول حکمی یا قانونی (Fiat Money) در اقتصاد تأکید دارد. ترتیبات نهادی لازم برای تحقق اصل اول این است که بانکداری مبتنی بر سپرده‌پذیری از بانکداری مبتنی بر وام‌دهی و سرمایه‌گذاری جدا شود (Bossone, 2002). در این زمینه، پس از اینکه وجوه در مرحله اول در بانک‌های سپرده‌پذیر سپرده‌گذاری شدند، آنگاه شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های کسب‌وکار می‌توانند آن وجوه را به عنوان تسهیلات دریافت کنند. در این چارچوب شعب سپرده‌پذیر از اصل ذخیره صد درصد پیروی می‌کنند و با انتقال وجوه به شعب اعطای وام، پرداخت وام صورت می‌گیرد.

بنابراین، در بانکداری رایج به معنی اعم آن شامل بانکداری ذخیره جزئی و با الگوی اصلاحی بانکداری، رابطه میان بانک، سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان به ترتیب رابطه‌ای بستناکار و بدهکار است. در این رابطه نبود ارتباط میان پس‌اندازکنندگان با وام‌گیرندگان نقطه اولیه انحراف از

مسیر تعادلی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. به بیان دیگر، پذیرش منطق تفکیک پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران در بستر فعالیت بانکی که به خلق پول بانکی نیز منجر می‌شود، تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را زیر سؤال می‌برد (ایزدخواستی، ۱۳۹۶). همین مسئله آغاز شکل‌گیری نوسانات تجاری و جدائی ترجیحات مصرف‌کنندگان (به عنوان گروه پس‌اندازکنندگان) از علائق سرمایه‌گذاران است. در نهایت می‌تواند فروپاشی سیستم بانکداری را با «هجوم بانکی» برای اخذ سپرده‌های تودیع‌شده تسهیل کند.

کتاب‌شناسی

- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۶). «تحلیل تأثیر خلق اعتبار در نظام بانکداری ذخیره جزئی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران»، جستارهای اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۲۷: ۳۴-۹.
- داوودی، پرویز و محقق، محمدجواد (۱۳۸۷). «بانکداری محدود»، جستارهای اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۰: ۹۳-۱۱۳.
- Allais, M., (1987). *The Credit Mechanism and its Implications, In Arrow and The Foundation of The Theory of Economic Policy*, G. R. Feiwel (Ed.), London: Macmillan.
- Benedikter, R. (2011). 'Social banking and social finance', *In Social banking and social finance* (pp. 1-128). Springer, New York, NY.
- Bossone, B. (2002). 'Should Banks Be Narrowed?', *Working Paper*, No. 354.
- Fisher, I., (1935). *100% Money: A New Banking Plan Designed to Eliminate Runs on Commercial Banks; Largely to Cure or Prevent Depressions*, Hardcover.
- Phillips, R. (1992). 'Credit Markets and Narrow Banking', *Working Paper*, No. 77
- Simons, H. (1948). *Economic Policy for a Free Society*, Chicago: University of Chicago Press.
- Woodford, M. (2010). 'Financial Intermediation and Macroeconomic Analysis', *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 24, No. 4, PP. 21-44.

حجت ایزدخواستی

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی